

### حکمت اشراق

شیخ شهاب الدین سهروردی در مهم ترین کتابش « حکمه الاشراق » مکتبی جدید را در فلسفه ی اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوه ی مشائیان فراتر رفت و حکمت اشراقی را پایه گذاری کرد.

شیخ اشراق حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود به کمال رساند.

او با احیای فلسفه ی نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی به نام « حکمت اشراق » را پایه گذاری کرد.

حکمت اشراق:

نوعی بحث از وجود است.

تنها به نیروی عقل اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد.

از نظر سهروردی:

تحقیق فلسفی که فقط متکی بر شیوه ی استدلالی ( عقلی ) باشد و نتواند به قلب برسد بی نتیجه است.

سیر و سلوک روحانی و قلبی، بدون تربیت عقلانی گمراه کننده است.

قطب الدین رازی می گوید :

اساس و بنیان حکمت اشراق، اشراق است.

اشراق عبارت است از کشف شهود.

این حکمت همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند، زیرا حکمت آن ها هم شهودی بوده است.

این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.

بر اساس بیانی که سهروردی از مفهوم « اشراق » دارد ، مفهوم « نور » را به جای مفهوم « وجود » وارد فرهنگ فلسفی خود می نماید.

مباحث حکمت اشراق : پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن.

مبداء جهان و خالق هستی : نور محض ( نورالانوار )

نحوه ی پدید آمدن اشیاء: تابش و پرتو نورالانوار

تفاوت موجودات: شدت و ضعف نورانیت آنها

سهروردی می گوید: ذات نخستین ( نور مطلق )، پیوسته نور افشانی ( اشراق ) می کند و بدین ترتیب متجلی می شود و همه چیز را به وجود می آورد.

همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات خداست.

هر زیبایی و کمالی موهبتی از رحمت خداست.

رستگاری وصول کامل به نور مطلق است.

در فلسفه ی اشراق، شرق و غرب معنای زمینی خود را ندارند.

در جغرافیای سهروردی :

مشرق: نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

مغرب کامل: جهان تاریکی یا عالم ماده که بهره ای از نور ندارد.

مغرب وسطی: در آن نور و ظلمت به هم آمیخته است.

مدرسه مجازی اینو